



خزان جاودان!

سازمان ناتو هر گامی که در منطقه به عقب برمی‌دارد، با همکاری طالبان جملکران تخریب و خشونت را گسترش می‌دهد. انفجارهای عراق و تجاوز پاسداران منفور حکومت اسلامی به خاک پاکستان شاهدهی است براین مدعا. بازتاب عقب‌نشینی سازمان ناتو در تجهیز حکومت اسلامی به سلاح اتمی چند پیامد منطقه‌ای به همراه آورد: کشتار غیرنظامیان عراق، شایعه پراکنی و آشوب در افغانستان، و نهایت تصفیۀ خونین در سپاه پاسداران با هدف اشغال نظامی پاکستان. این تحرکات مزورانه و گسترده در سایه پروپاگاندا «هویت» شتاب گرفته.



سرانجام کوشش‌های خداپسندانه «بی‌بی‌سی» و رسانه سوئدی «افتون‌بلاد» برای گرم کردن تنور یخ‌زده اسلام‌گرایان در منطقه به نتیجه رسید و همه به ویژه در «جهان اسلام» به طاعون «هویت» مبتلا شدند. شایسته است محفل رسوای نوبل به دو کشور سوئد و بریتانیا به عنوان شاگردان ممتاز محفل فاشیسم بین‌الملل و پیشگامان پروپاگاندا ابله‌فریب «هویت»، و به ویژه برای شرکت فعال پادوهای شیعی مسلک‌شان در انفجارهای اخیر بغداد نه یک جایزه، که چندین نوبل «صلح» اهداء کند. چرا که این جنایات در ارتباط مستقیم با شکست سیاست تجهیز حکومت اسلامی به سلاح هسته‌ای قرار گرفته، همچنانکه ورود پاسداران جمکران به خاک پاکستان نشان از تداوم سیاست غرب در راه گسترش جنگ در منطقه دارد. رادیوفردا، مورخ ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹، در گزارشی به نقل از آسوشیتدپرس اعلام کرد که پلیس پاکستان ۱۱ تن از اعضای سپاه پاسداران را پس از ورود غیرمجاز به خاک پاکستان بازداشت کرده:

«دادور رامان، یکی از مأموران پلیس پاکستان گفت [اینان] در منطقه مشغل در نزدیکی مرز مشترک دو کشور [...] در بازداشت به سر می‌برند. وی افزود مأموران پاکستانی مشغول بازجوئی از این افراد هستند و دو خودروی اعضای سپاه نیز توقیف شده است.»

همچنانکه گفتیم ترور فرماندهان سپاه در بلوچستان یک تصفیۀ درون‌گروهی بود که هدف نهائی‌اش تحقق خواسته‌های «شهید» بی‌نظیر بوتو، یعنی زمینه‌سازی جهت ورود ارتش ناتو به درون مرزهای پاکستان است. این تحرکات در راستای پروپاگاندا

«بین‌الملل شرارت» شتاب بیشتری گرفت. بله! به محض اینکه پروپاگاندا نفرت و خشونت «مسلمان‌ستیزی» در سوئد و انگلستان آغاز شد، وزیر کشور فرانسه، «اریک بسون» نیز متوجه شدند «هویت ملی» فرانسه با «بورکا» در تضاد قرار می‌گیرد! خبر این «کشف» بزرگ بلافاصله در رسانه‌های فرانسه انتشار یافت و موج اعتراض چپ‌نمایان را نیز به همراه آورد. در نتیجه جهان اسلام هم ناچار شد تعریف جامعی از «هویت ملی» خود ارائه دهد. در این راستا، مسلمین مصر جهت نشان دادن «هویت ملی» خود پرتاب سنگ به سوی اقلیت مسیحی را آغاز کردند. سپس شیعیان عراق برای تأکید بر «هویت شیعی» خود دو بمب قوی در بغداد منفجر نمودند. هدف نخستین بمب دو وزارتخانه دادگستری و کار و امور اجتماعی و هدف دومی ساختمان [استانداری] در خیابان «حیفا» بود. و از قضای روزگار سفارت جمکران در حوالی محل انفجار قرار گرفته.

یکوقت فکر نکنید حکومت گورکن‌ها یا عربستان و امارات در این جنایت دست داشته‌اند، ابدًا! گورکن‌ها و شرکاء فقط مجری فرامین ارباب‌اند. اگر به یاد داشته باشیم پس از مذاکرات ژنو، و ملاقات ویلیام برنز با سعید جلیلی، ایشان با آخوند حکیم ملاقات کردند و دو بمب قوی در یک منطقه سنی‌نشین عراق منفجر شد. اینبار پس از مصاحبه برنار کوشنر با «دیلی تلگراف»، و ملاقات سردار نجار با مقامات پاکستان که از طریق عربستان و امارات تغذیه می‌شوند، قرار شد برنامه «هویت» در شهر بغداد اجرا شود؛ و دیدیم که



شد. این برنامه «هویت» به گزارش فیگارو، مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۹، حداقل ۹۰ کشته و صدها مجروح برجای گذاشته. و اما برنامه «هویت» در افغانستان با پخش «یک شایعه» آغاز شد. درست مانند شایعه شرکت ۴۰ میلیون ایرانی در اقتضاحات جمکران. جالب اینجاست که هر دو «شایعه» منافع آنگلو ساکسون‌های دو سوی آتلانتیک را تأمین می‌کند، چرا که مروج خشونت و هرج و مرج است. همچنانکه بارها در این وبلاگ گفته‌ایم استقرار نظم و امنیت «قانونی» در کشورهای مسلمان نشین، به ویژه اگر نفت‌خیز باشند منافع استعمار را تهدید خواهد کرد. پشتیبانی آنگلو ساکسون‌ها از حاکمیت دین و آمیختن «دیانت به سیاست» دلیل بسیار موجهی دارد.

قوانین دینی به دلیل «خدامحوری» همزمان در تضاد با «انسان» و «نظم اجتماعی» قرار می‌گیرد. این قوانین از یکسو راه را برای سرکوب «انسان» به نام خداوند «بخشنده و مهربان» باز می‌کند، و از سوی دیگر دست آخوند جماعت را، باز هم به نام خدا برای نقض همان قوانین دینی باز می‌گذارد. در نتیجه مشتی انسان‌ستیز و قانون‌شکن به عنوان روحانی به بهانه «دفاع از دین» یا حمایت از «حق مردم» در برابر یک حکومت قانون‌شکن و سرکوبگر قرار می‌گیرند. همان شرایطی که سال‌هاست در ایران شاهدیم. پیش از ادامه مطلب در توضیح پیرامون وبلاگ «هزارخورشید» یادآور شویم، از سال ۱۳۶۷، در راستای سیاست تبدیل مهره‌های استعمار به اوپوزسیون، حسینعلی منتظری همچون مهدی بازرگان به جایگاه «غیررسمی» اسباب‌کشی کرد، و سپس نوبت به خوئینی‌ها رسید. اینک نیز همین روند استعماری شامل محمدخاتمی، میرحسین موسوی و آخوند کروب‌ی شده. البته نهضت عازمادی، داس‌الله، «چپ‌خیابانی» و به طور کلی حزب‌توده و عوامگرایان و شارلاتان‌های مدعی

چپ‌گرایی در همین طیف استعماری قرار گرفته‌اند. استعمار غرب می‌پندارد با تکیه بر این تشکل‌های پوشالی و با توسل به پروپاگاندا «دینی - مردمی»، باز هم می‌تواند پدیده نیست‌درجهانی به نام «روحانیت مترقی» را به ما حقنه کرده، «اسلام فروشی» و «مردم‌پرستی» را در ایران رواج دهد. البته کور خوانده‌اند.

بهتر است روحانیتی که به دفاع از «حق مردم» و «دین مترقی» پرداخته، بجای گزافه‌گویی نخست توضیح دهد که چرا به احکام وحشیانه قصاص و سنگسار و به ویژه قتل وحشیانه بهنود شجاعی اعتراضی نداشته؟ حسینعلی منتظری، بیات زنجانی، صانعی، دستغیب و دیگر روضه‌خوان‌هایی که مدافع میرحسین موسوی جلاد شده‌اند بهتر است به ملت ایران بگویند، چرا هرگز به دفاع از «حق» بهنود شجاعی‌ها و هزاران جوان ایرانی که به جرم «هیچ و پوچ» زندانی شده‌اند «قیام» نفرموده‌اند. آن مدافع بیشرم «حقوق بشر دینی» که در سایت «گویا نیوز» قتل بهنود شجاعی را به ابزار تبلیغ برای «اسلام خوب» تبدیل کرده و به رئیس قوه قضائیه نامه می‌نویسد، آیا می‌تواند پاسخ دهد که مدافعان حقوق بشر دینی، که فرضاً برای ممانعت از قتل بهنود شجاعی خواب و خوراک هم نداشته‌اند، چرا از آیات عظام نخواستند به شیخ صادق لاریجانی، رئیس قوه سنگسار و قصاص تذکر دهند که حق ندارد کسی را به جرم قتل غیرعمد، آنهم در شرایطی که این جرم به «اثبات» هم نرسیده به قتل برساند؟



آیات عظام کذا که به امور «سیاسی» علاقه دارند، و پنج ماه تمام است در سایت «بی‌بی‌سی» و «رادیوفردا» به روضه و زوزه و سوگواری برای «عدالت» و «حق مردم» مشغول‌اند، در جریان پروندهٔ بهنود شجاعی قرار نداشتند؟ همه جا صحبت از جوانی بود که ۴ سال است به جرم قتل غیرعمد، از ۱۷ سالگی به زندان «عدالت علوی» گرفتار آمده، جرم‌اش هم ثابت نشده و ... و قرار است طبق «منطق علوی» به جرم قتل قصاص شود. نکند ماجرای بی‌عدالتی فرضی در حق «میرحسین» و «حق مردم» و «عدالت»، مراجع برگزیدهٔ کارخانهٔ رجاله پروری را کور و کر و لال کرده بود؟! بهتر است آیات عظام دست از شیادی و خوش‌رقصی برای ارباب برداشته، اگر حرفی که ارزش شنیدن ندارد در چنته‌شان نیست، حداقل سکوت اختیار کنند. قتل وحشیانهٔ بهنود شجاعی، قتلی که تحت نظارت مستقیم قوهٔ قضائیه صورت گرفت، نه تنها شاهدهی است بر توحش احکام دین و قوانین شریعت، که شارلاتانیسم و توحش مدافعان حقوق بشردینی، یا همان اعضای محفل عبادی و آیات عظام سیاست‌زده را به اثبات می‌رساند. «توحش»! این است «هویت» واقعی روحانیت «مترقی» و «غیرمترقی» جمکران و دیگر «دین‌مداران» عرصهٔ سیاست. پس بازگردیم به پروپاگاند توحش «هویت» که از سوئد و انگلستان آغاز شده به فرانسه و سپس به «جهان اسلام» و افغانستان رسید.

باری در افغانستان شایع شد که سربازان غربی یک قرآن را آتش زده‌اند، و خلاصه «کفار» به «نوامیس اسلام» توهین کرده‌اند! بلافاصله اوباش‌الله در کابل به تظاهرات پرداخته،

همان برنامهٔ مطلوب استعمار در کشورهای مسلمان‌نشین آغاز شد. البته فکر نکنید که این شایعات همچون شایعهٔ «تقلب» در کارخانهٔ رجاله‌پروری ساخته و پرداخته شده. ابد! این شایعات درست مثل «حجرالاسود» از آسمان به زمین می‌آید تا نان گاوچران‌ها و جنتلمن‌های نزولخور «سیتی» آجر نشود. حال نگاهی خواهیم داشت به مصاحبهٔ برنار کوشنر با «دیلی تلگراف» که پیش درآمدی بود بر انفجارهای بغداد. خبر این مصاحبه در سایت لوموند، مورخ ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹ نیز منتشر شد.

در واقع مصاحبهٔ کوشنر تأکیدی بود بر این امر که فرانسه، علیرغم تمایل آشکار حاکمیت انگلستان، دیگر نمی‌تواند به حمایت از برنامهٔ هسته‌ای حکومت اسلامی ادامه دهد. برنار کوشنر مواضع نوین را «خواست اسرائیل» جلوه داده، حال آنکه اسرائیل، به ویژه حزب کارگر این کشور همچون حزب دمکرات آمریکا و حزب کارگر انگلستان یعنی محور جنگ‌طلبان اسلام‌پرست همواره از تجهیز گورکن‌ها به سلاح هسته‌ای دفاع کرده‌اند. چرا که این امر مقدس به گسترش بحران در منطقه منجر شده، راه را بر جنگ می‌گشاید. دو کارشناس هسته‌ای بریتانیا تاکنون در این راه مقدس «شهید» شده‌اند. و این مطلب با کد: ۷۴۶۸۶۰ در حناز چوبه مورخ، ۳۰ مهرماه ۱۳۸۸ به نقل از روزنامه‌های «سان» و «دیلی میرور» نیز انعکاس یافته.

البته ما هم گفتیم که یکی از رعایای ملکه از طبقهٔ هفدهم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین سقوط کرد و این



«شهادت» جانگداز را در ارتباط با «کشف» فرهنگ ۱۷ هزارساله، اختراع نوین طویلۀ «ام. آی. ۶» قرار دادیم! در صورتی که دیگران می گویند، «تیم همپتون»، کارشناس ۴۴ سالۀ بریتانیایی، روز سه شنبه، چند ساعت پیش از آغاز مذاکرات جان سپرد! خلاصه جوان مرگ شد! رسانه های انگلستان همچنین می گویند قرار بود او هم در مذاکرات «۴» جانبه شرکت کند! در صورتیکه چنین نبوده! اینان مزخرف می گویند، مذاکرات چهارجانبه نبود، «سه جانبه» بود و میان کشورهای آمریکا، روسیه و فرانسه جریان داشت! مستر «همپتون» گویا بدون دعوت قصد فضولی و کارشکنی در مذاکرات وین را داشتند. چرا که بازندۀ اصلی پایان بحران هسته ای در کشورمان دولت کارگری و حاکمیت انگلستان است.

به همین دلیل، پاسدارال لاریجانی، غلامبچه سفارت، هم صدا با پاسدار شریعتمداری تا آخرین نفس به انتقاد از مذاکرات ژنو و وین مشغول بودند. پاسدار لاریجانی پس از مشخص شدن نتیجۀ مذاکرات وین، سراسیمه و زودتر از موعد مقرر ژنو را به مقصد ایران ترک کرد، و طی مصاحبه با «یورونیوز» اظهار داشت، «ما هیچ اشکالی با فرانسه نداریم! سپس در تهران ادعا کرد، آژانس انرژی اتمی قصد فریب «ما» را دارد. و مزخرفاتش بر تارک سایت بلاهت پرور «بی بی سی» همچنان می درخشد! ناگفته نماند که محمدرضا باهنر نیز نقش پامنبری علی کوچیکه را برعهده گرفته بود. بگذریم و بازگردیم به خبر حنازرقوبه در مورد «شهادت» رعایای الیزابت دوم در وین.

این رسانه به نقل از «دیلی میرور» می نویسد ۴ ماه پیش هم یک بریتانیایی از همین ساختمان آژانس «سقوط» کرده و به فیض شهادت نائل آمده. البته نمی دانیم او هم به دلیل برخورداری از فرهنگ ۱۷ هزار ساله از همان طبقۀ هفدهم معروف به زمین افتاده یا قدمت فرهنگش با دیگران تفاوت داشته. ممکن است ایشان فرهنگشان کمتر و یا بیشتر از «نیک گریفین» بوده. در هر حال آنچه اهمیت دارد این است که شهید «تیم همپتون» در مورد عدد ۱۷ با «نیک گریفین» توافق داشتند.

باری فرهنگ حضرات هر چه باشد روز یکشنبه بساط اتمی شدن پادوهای انگلیس در جمکران تعطیل شد، و حکایت این «بحران شیرین» حداقل تا سال ۲۰۱۵ که رابرت گیتس آرزوی بازگشت به سیاست پربرکت جنگ سرد را دارد، در همینجا به پایان رسیده. در نتیجه، وزیر امور خارجه فرانسه به دیلی تلگراف می گوید، اگر به ایران بمب بدهیم اسرائیل خیلی عصبانی می شود و ممکن است به این کشور حمله کند، ما باید از این رویارویی ممانعت کنیم! البته بین خودمان بماند اسرائیل با دوستانش در جمکران سر جنگ ندارد، هر دو ارباب مشترکی دارند. ولی زمانی که هوا چنین ناجوانمردانه «پس» باشد، دوستان باید نقش دشمن ایفا کنند، گرگ در لباس میش ظاهر شود و اعضای سازمان جنگ پرست ناتو «صلح طلب» شوند. گویا پائیز سال ۲۰۰۹ غروب جاودان این سازمان را نوید می دهد.

